آسيب شناسي جنبش بيداري اسلامي در منطقه خاورميانه و شمال آفريقا، بايدها و نبايدها

آسيب شناسي جنبش بيداري اسلامي در منطقه خاورميانه و شمال آفريقا، بايدها و نبايدها

جواد محمدي ـ علي رفيعي

چكيده

به تازگي اولين سالگرد شهادت محمد بوعزيزي جوان تونسي كه در عكسالعمل به تحقيرها و خفقان حاكم بر جامعه، خود را به آتش كشيد را پشت سر گذاشتيم. با گذشت بيش از يكسال از آغاز تحولات بيداري اسلامي، لزوم ارزيابي تهديدات و آسيبهاي متوجه اين جنبش اهميت مييابد. در اين مقاله ضمن بر شمردن نقاط قوت و فرصت و همينطور نقاط ضعف و تهديد موجود در دو سطح درون جنبش و همينطور محيط پيرامون آن، در قالب رويكرد مديريت استراتژيک و بر اساس مدل SWOT ، راهبردهاي معيني براي تقويت، استحكام و كمک به جنبش بيداري اسلامي براي نيل به اهداف والاي آن پيشنهاد شده است. با توجه به نقش و موقعيت جمهوري اسلامي ايران در اين عرصه، لزوم ارزيابي اين تحولات و ترسيم چشم اندازهاي آتي آن اهميت بسياري مييابد. چارچوب تئوريک در اين بررسي، «نظريه بيداري اسلامي» مطرح شده از سوي رهبر معظم انقلاب اسلامي حضرت آيتا العظمي خامنه(دام ظله العالي) بوده و مستندات و منبع اصلي مقاله نيز مبتني بر بيانات و رهنمودهاي معظمله ميباشد.

واژگان كليدي: بيداري اسلامي، تمدن نوين اسلامي، نظام سلطه، آسيب، تهديد، فرصت

مقدمه

تاريخ معاصر جهان خصوصاً تحولات قرن بيستم سرشار از رويدادهاي متعدد از جمله انقلابات، جنگها، منازعات ملي و بينالمللي بوده است. برخي از اين تحولات و حوادث، تبعات و پيامدهاي بلند مدتي داشتهاند و برخي نيز به فراموشي سپرده شدهاند و امروزه ديگر نامي از آنها نيست. شكلگيري جنبش بيداري اسلامي ملت ايران به رهبري حضرت امام خميني(ره) و پيروزي انقلاب اسلامي در بهمن 1357 از معدود رويدادهايي است كه پيامدها و تحولات منبعث از آن تاثيرات بلند مدتي بر سمت و سوي تحولات بعدي و مسير تاريخ داشته است. غلبه يافتن نظام اسلامي بر انواع توطئهها و دخالتهاي مستقيم و غيرمستقيم نظام سلطه در طول بيش از سه دهه و همينطور نيل به موفقيتهاي بزرگي همچون تحقق مردمسالاري اسلامي، دستاوردهاي فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، علمي و فني ايران اسلامي اكنون موجب شده حتي برخي تحليلگران غربي از آن به عنوان يک «مدل موفق» در منطقه خاورميانه ياد كنند.[1] آغاز قيام ملتهاي مسلمان منطقه در برابر ظلم، فساد، تحقير، استبداد و وابستگي نظامهاي حاكم بر اين كشورها، در اذهان جهانيان يادآور تحولات انقلاب اسلامي ايران و سقوط نظام پهلوي بود. مطالعه و شناخت دقيق و صحيح فرصتها و تهديدات فراروي جنبش بيداري اسلامي، در كنار بررسي ضعفها و قوتهاي آن، به ما در ارزيابي صحيح از اوضاع كمک ميكند و راهبردهاي لازم را براي حركت به سوي نيل به اهداف عاليه آن فراهم مينمايد. ما در اين بررسي به دنبال پاسخ اين سوال هستيم كه آسيبها و تهديداتي كه در حال حاضر جنبش بيداري اسلامي در منطقه خاورميانه و شمال آفريقا را تهديد ميكند كدامند؟ و چه راهبردها و اقداماتي را ميتوان براي ممانعت از تضعيف و يا انحراف اين جنبش تدوين و به اجراء در آورد؟ و بايدها و نبايدهاي اين مسير كدام است؟ لازم به ذكر است كه متاسفانه در گذشته، بسياري از شكستها و ناكاميهاي جنبشهاي مردمي در عرصههاي داخلي و خارجي، عمدتاً به تحليل نادرست از فرصتها و تهديدات از يكسو و ضعف و قوتهاي آن از سوي ديگر بر ميگردد.

مباني نظري و روشي

يكي از روشهاي تحليل سياسي در قالب مديريت استراتژيک، مدل SWOT ميباشد. در اين الگو با شناسايي دقيق نقاط قوت و ضعف(عومل دروني جنبش) و شناسايي فرصتها و تهديدات آن(عوامل بيروني جنبش) و ترسيم شرايط موجود، به تدوين اهداف و راهبردهاي كوتاهمدت و بلندمدت آن اقدام ميگردد. مدل مزبور نگاه كلان و آيندهنگر دارد و به ما كمک ميكند درک روشنتري از تحولات و وضعيت موجود داشته باشيم و تصميمات درستي اتخاذ كنيم. اساساً بستر اصلي و اوليه نظريه بيداري اسلامي مبتني بر قرآن مجيد، سنت رسول اكرم(ص) و معارف اهل بيت(عليهم السلام) است.[2] اين بررسي نيز در چهارچوب نظريه كلان بيداري اسلامي صورت گرفته است كه امروزه به عنوان نظريهاي علمي و دقيق، به صورتي منسجم و عملياتي توسط مقام معظم رهبري طرح، تبيين و تشريح شده است و با اينكه منبعث از مجموعه تحولات تاريخ اسلام و

جوامع اسلامي و تجربيات مربوطه است، اما اكنون خود مبدل به چارچوب متقني شده است كه ملتهاي مسلمان در اين قالب قادر به حركت و اقدام براي نيل به آزادي، عزّت و كرامت و تحقّق اهداف اصيل اسلام ناب خواهند بود. با نگاه به بيانات و تحليلهاي معظمله، عمق بينش تاريخي و جامعهشناسانه ايشان به موضوع بيداري اسلامي و تحولات آن نمايان ميشود؛ معظمله بيداري اسلامي را نه يک پروژه، بلكه يک فرايند تاريخي ميدانند.[3] اما نظريههاي رقيب نيز عمدتاً دو دسته هستند: دسته اول تمامي تحركات و قيامهاي منطقه را در قالب هدف دستيابي به «دموكراسي» آن هم از نوع غربي تحليل ميكنند؛ دسته دوم نيز آن را در قالب «اسلامعرفيگري»، به اهدافي همچون از بين بردن فقر، تحقق آزادي، انتخابات رقابتي و... تقليل ميدهند و اعتقادي به لزوم پيگيري اهدافي همچون «نظامسازي» و «تمدنسازي» ندارند.[4] نظريهپردازان غربي عمدتاً مبلّغ رويكرد نخست از تحولات منطقه هستند و برخي نيز در منطقه، رويكرد دوم را نمايندگي ميكنند. هر دوي اين تئوريها به شدت تئوري بيداري اسلامي را مورد سوال قرار داده و آن را رد ميكنند و تا كنون در قالب القاي ترس از اسلام سياسي، شيعه هراسي و ايران هراسي با آن برخورد نمودهاند.[5]

مباني و ريشههاي بيداري اسلامي

بيترديد نخستين حركت بيداري اسلامي در تاريخ باز ميگردد به طلوع خورشيد اسلام در سرزمين حجاز كه رسول مكرم اسلام(ص) پيامآور آن بودند و موجب شكلگيري تمدن عظيم اسلامي شدند كه قرنها بعد، عظمت فرهنگ، هنر، معماري و پيشرفتهاي علمي و فني آن در دنيا زبانزد شد. در تاريخ معاصر اسلام، علماء و متفكران بزرگي همچون سيد جمالالدين اسدآبادي، شيخ محمد عبده، سيد قطب و حسن البنّاء هر كدام تلاشهاي بسياري براي آگاه ساختن ملتهاي مسلمان و تبيين لزوم قيام عليه استعمارگران و مستكبران زمان براي تحقق عزّت اسلام و مسلمين آغاز كردند اما عليرغم موفقيتهاي اوليه، با انواع توطئهچينيها از جانب سلطهگران و وابستگانشان مواجه شدند. سرانجام با آغاز حركت بيدارگرانه حضرت امام خميني(ره) در سالهاي دهه 1340 در ايران و سپس نجف اشرف بارقه اميدي در دل مسلمانان پديدار شد. در انديشه حضرت امام خميني(ره) دليل اصلي عقبماندگي و ضعف مسلمين، استعمارزدگي كشورها و حكومتهاي وابسته آنهاست، لذا ديدگاه ايشان بر اساس تفكيک ناپذيري دين از سياست بنا شده است. همانگونه كه ايشان فرمودند: «ما تا به اسلام برنگرديم، تا به اسلام رسول ا برنگرديم، مشكلاتمان سر جاي خودش هست، نه مي توانيم قضيه فلسطين را حل بكنيم و نه افغانستان را و نه ساير جاها را؛ ملتها بايد بر گردند به صدر اسلام؛ اگر حكومتها هم با ملتها برگشتند كه اشكالي نيست و اگر بر نگشتند، ملتها بايد حساب خودشان را از حكومتها جدا كنند».[6]

با پيروزي انقلاب اسلامي در ايران در شرايط نظام دوقطبي، كه ابرقدرتهاي شرق و غرب، جهان را بين خود تقسيم كرده بودند پيام اين انقلاب از مرزهاي سياسي آن فراتر رفت و گسترش يافت و امروزه ما

شاهد تزلزل پايههاي استكبار در منطقه و جهان ميباشيم. در حال حاضر حضرت آيتا العظمي خامنه(مدظلهالعالي) در جايگاه رهبري انقلاب اسلامي همان نقش كليدي حضرت امام خميني(ره) را در اين -عرصه ايفاء مينمايند. بر همين اساس اكنون نيز رهبر انقلاب حساسيت اوضاع را گوشزد نموده و مي فرمايند: «فصل جديدي در منطقه و جهان شروع شده است، در اين پيچ تاريخي دنيا، نظام جمهوري اسلامي ايران مي تواند به عنوان الگويي براي ملتهاي مسلمان باشد». معظمله با ريشهيابي تحولات امروز، راه نجات را نشان ميدهند و ميفرمايند: «ضعف و عقبماندگی امتهاي مسلمان، همه ناشی از دوری از قرآن، ترک فرهنگ اسلامي و پذيرش فرهنگ مادیگري است. ضعف ما امت مسلمان، عقبماندگی ما، کجرفتاریهای ما، کجتابیهای ما در مسائل اخلاقی و زندگی، همه اینها ناشی از دوری از قرآن است. ملتهای مسلمان بر اثر حاکمیت طغیانگران و طاغوتها به فرهنگ خودشان پشت کردند و فرهنگ مادیگری را پذیرفتند».[7] ديدگاه مقام معظم رهبري شامل مبارزه با غرب در ابعاد مختلف و همينطور مبارزه با نظامهاي فاسد و وابسته به غرب در منطقه و جهان اسلام ميشود. در حقيقت، انقلاب اسلامي ايران ملهم از آموزههاي اسلام ناب كه همان مكتب اهل بيت(عليهم السلام) ميباشد بوده و اكنون جنبشهاي منطقه نيز ملهم از همين آموزهها و همينطور مدل و الگوي عملياتي آن يعني جمهوري اسلامي ايران هستند.

دلائل وقوع قيامهاي مردمي در منطقه

در خصوص علل بروز قيامهاي مردمي در كشورهاي اسلامي منطقه، تحليلهاي مختلفي ارائه ميشود كه طيفي از رويكردهايهاي اقتصادي- اجتماعي و سياسي را در بر ميگيرد و دلائلي همچون فساد گسترده، تبعيض، فقر و تلاش براي برخورداري از امكانات رفاهي و معيشتي بهتر را مطرح ميكنند؛ برخي نيز مبارزه با استبداد، حكومت موروثي، سركوب و خفقان حاكم بر جامعه را دليل اصلي قيام مردم ميدانند. اگرچه هر يک از اين عوامل ميتواند در تحليل انقلابهاي هر يک از كشورهاي منطقه مورد توجه و بررسي قرار گيرد اما در قالب نظريه بيداري اسلامي ميتوان محورهاي اصلي ذيل را به عنوان علل بنيادين اين قيامها ذكر نمود:

- به ستوه آمدن مردم از ذلت تحميلي از سوي فرمانروايان وابسته
- احساس تحقير مردم نسبت به وضعيت سران خود
- جستجو براي باز گرداندن عزت و كرامت امت اسلام.

مقام معظم رهبري ريشههاي اصلي قيامهاي منطقه را تبيين نموده و دليل وحشت دشمن را از خيزش جوانان مومن و انقلابي منطقه يادآور ميشوند، ايشان در اين خصوص مي فرمايند: «اسلام با پايه‌ها و مباني استكبار يعني ظلم و تجاوز و اشغالگري مبارزه مي‌كند به همين علت زورگويان جهاني از نفس گرايش ملت‌ها به اسلام متوحش مي‌شوند، همچنان كه در حوادث ماه‌هاي اخير منطقه، از ظواهر و نشانه‌هاي اسلامي بودن تظاهرات ملت‌ها و پيروزي اسلام‌گرايان در انتخابات، علناً ابراز نگراني كرده‌اند».[8]

نقاط قوت و ضعف جنبش بيداري اسلامي

نقاط قوت

- يكتاپرستي و اعتقاد به وحدانيت پروردگار

- اعتقاد به اسلام، قرآن كريم و نبوت پيامبر اكرم(ص) به عنوان ريشههاي قدرت مسلمانان

- حق طلبي و عدالت خواهي مسلمانان

- برخورداري از روحيه مقاومت و ايستادگي در برابر ظلم

- جمعيت جوان، پرشور و علاقمند به ايفاي نقش موثر در تحولات(خصوصاً بانوان مسلمان)

- تجربيات ارزشمند جمهوري اسلامي ايران در «نهادسازي» و «نظامسازي»

- روحيه اعتماد به نفس و خودباوري ملهم از آراء حضرت امام خميني(ره) و رهبر معظم انقلاب

نقاط ضعف

- فقدان و يا ضعف نهادهاي مدني و تشكلهاي اجتماعي و مذهبي منسجم مردمي

- برخي تعصبات ملي، قومي و قبيلهاي و در برخي كشورها مبناي وحدت همانا قبيله و

عشيره است(عربستان، يمن، اردن، ليبي)

- قشري‌گري و سطحي‌نگري در فهم شريعت و دستورات اسلام
- فقر و بيسوادي و عقب ماندگي و تسلط فرهنگ بدوي در برخي مناطق
- خلاء رهبري واحد و مقتدر در برخي كشورها كه ميتواند موجب انحراف قيامها شود
- بعضاً راضي شدن مردم به كاهش اختيارات شاه و مشروطه شدن نظام(اردن و مراكش)
- گاهي كمكاري و نقص در برنامه ها و فعاليتهاي انقلابيون
- نبود برنامه‌ريزيهاي راهبردي و آينده‌نگر و انعطاف پذير
- بعضاً عدم شناخت درست مقاطع حساس و عدم بهره برداري صحيح از آن.[9]
- شيفتگي و پذيرش برخي ديدگاههاي غربي تحت عنوان «نواندیشي اسلامي»

تهديدات و فرصتهاي جنبش بيداري اسلامي

تهديدها

تهديد در اصطلاح به معناي هر آنچه كه ثبات و امنيت را به خطر اندازد، همچنين به هر اقدام و تحرك بالقوه و احتمالي سياسي، نظامي، اقتصادي و فرهنگي كه موجوديت و منافع حياتي فرد، نهاد يا كشوري را به خطر بيندازد و نيز موانع و چالشهايي كه ما را از رسيدن به هدف بازداشته و يا باعث كاهش سرعت ما در دستيابي به آن گردد اطلاق مي‌گردد. رهبري معظم انقلاب اسلامي در اين خصوص مي فرمايند: «دشمن يک سناريوي جامع و سر و ته داري را براي نظام اسلامي و براي حركت اسلامي و بيداري اسلامي تدارک ديده است، خوشبختانه ما كفايت برخورد با اين سناريو را داريم، در اين ترديدي نيست».[10] اساساً از آنجايي كه عوامل بيروني قابل كنترل نيستند لذا با تكيه بر نقاط قوت جنبش بايد تهديدات بيروني را خنثي كرد.

تهديدات متوجه حركتهاي بيداري اسلامي مسلمانان منطقه عمدتاً شامل موارد ذيل است:

- احتمال ترور نخبگان صالح و موثر و يا بدنام كردن آنها.[11]

- خريدن برخي از افراد سست عنصر.[12]

- حركات تفرقه افكنانه قومي و مذهبي.[13]

- حصر اقتصادي، تحريم و بلوكه كردن سرمايه هاي ملي ملتها.[14]

- هجوم همه جانبه تبليغاتي و رسانهاي.[15]

- القاي تحليلهاي انحرافي و غير واقعي از قيامها.[16]

- پيشنهاد بديلهاي انحرافي گوناگون به نهضتهاي مردمي.[17]

- روي كار آمدن عناصر متعهّد به آمريكا و غرب.[18]

- فريب و قانع كردن مردم با دستاوردهاي جزيي و ابتدايي.[19]

- شبيهسازي انقلابات در مورد كشورهاي مستقل اسلامي منطقه.[20]

- جنگ نرم و تهاجم فرهنگي غرب عليه ملتهاي مسلمان

- اعطاي امتيازات مادي، رفاهي و معيشتي و برخي آزاديهاي براي آرام كردن انقلابيون.[21]

- تلاش غرب براي ايجاد اختلاف بين شيعه و سنّي و القاي خطر قدرتگيري شيعيان(عراق، بحرين و لبنان).[22]

- احتمال بازگشت عوامل وابسته به غرب از راههاي مختلف.[23]

- دامن زدن به هرج و مرج، بيثباتي و نا امني اقتصادي و اجتماعي با هدف نگران كردن مردم

- القاي ناكارآمدي دين در اداره امور جامعه

- ارائه تصوير آرماني از ارزش هاي آمريكايي و ليبرال دمكراسي غربي

- تلاشهاي فراوان غرب براي جلوگيري از الگوشدن جمهوري اسلامي در منطقه و ديده نشدن آن.[24]

- اعتماد به دشمن و افتادن در دام لبخندها و حمايتهاي آنها.[25]

فرصتها

منظور از فرصت، وجود زمينه يا شانس مطلوب در محيط بيروني براي يک فرد، سازمان و يا کشور است که با بهره‌برداري آن، مي‌توان به نتايج يا عوايد قابل توجهي دست يابد. همچنين فرصت شرايطي است که به کشورها اين توانايي را مي‌دهد که با بهره‌گيري صحيح از آنها، اهداف ملي خود را محقق و تهديدات را دفع نمايند. با هدف تقويت و تداوم جنبش بيداري با استفاده از فرصتهاي محيطي موجود بايد نقاط ضعف درون جنبش را بياثر و خنثي نمود. فرصتهاي حرکتهاي بيداري اسلامي مسلمانان منطقه عمدتاً شامل موارد ذيل ميباشد:

- شکست راهبردهاي آمريکا در منطقه و گسترش تنفر مردم(عراق، افغانستان و لبنان)

- بحران اقتصادي و اجتماعي نظام سرمايه داري و جهان غرب

- شکلگيري جنبش اعتراضي والاستريت در شهرهاي آمريکا و اعتراضات متعدد در شهرهاي اروپايي(انگلستان، اسپانيا، يونان، پرتغال، ايتاليا و...)

- افزايش خود آگاهي و بيداري ملتها در سراسر جهان

- مردم دنياي غرب امروز به دنبال راه نجات از تمدن مادي هستند.[26]

- سردي روابط دولت اسلامگراي ترکيه با رژيم صهيونيستي

- تظاهرات داخلي گسترده يهوديان عليه حکام رژيم صهيونيستي(اعتراضات سال 2011)

- افزايش تقاضاي جهاني به انرژي و افزايش قيمت حاملهاي انرژي

جايگاه و نقش جمهوري اسلامي ايران

وقوع انقلاب اسلامي ايران در بهمن 1357 در شرايطي بود كه نظام شاهنشاهي آن به استكبار جهاني اتكا داشت. اساساً انقلاب اسلامي در تعارض با نظام بينالملل، ارزشها و هنجارهايي را مطرح كرد كه ضمن تضاد با منافع قدرتهاي جهاني حامي حفظ وضع موجود، موجب بروز چالش در نظام بينالملل شد. ايران اسلامي با طرح اين ارزشها در سياست خارجي خود، تلاش كرد تا افكار عمومي ملل محروم جهان را جهت تغيير در نظام بينالملل تحت تاثير قرار دهد و ارزشهاي مطرح شده را تبديل به هنجار سازد.[27] در حقيقت جمهوري اسلامي ايران، خود به عنوان يک مدل موفق در كنار ملتهاي منطقه، بخشي از جبهه جهاني بيداري اسلامي محسوب ميشود و لذا بايد نقش خود را به خوبي ايفاء كند. جمهوري اسلامي ايران با عنايت به مجموعه نقاط قوت و برتريهاي خود در اين عرصه نقش ويژهاي دارد. اين نقاط قوّت عبارتند از: موقعيت ژئوپليتيكي، كثرت جمعيت، وسعت و منابع طبيعي در كنار عوامل غيرمادي همچون تجربه موفق مردمسالاري اسلامي، رهبري هوشمندانه، برخوردار از امتّي با بصيرت، ديندار، هوشيار، آگاه و در صحنه، داراي فرهنگ غني و تاريخي پربار كه همواره از بدو تاسيس نظام اسلامي هدفي جز عزّت و اقتدار مسلمين و وحدت امت اسلام نداشته است. ديگر مولفههاي تواناييهاي نظام عبارتند از: برخورداري از توان غلبه بر تهديدات داخلي و خارجي، اعتماد متقابل مردم و نظام، ثبات سياسي، اعتبار بينالمللي، پيشرفتهاي علمي و فني از جمله در علوم پزشكي، سلولهاي بنيادي، فناوريهاي نانو، فضايي، هستهاي و دفاعي و غيره. اساساً دفاع از حقوق ملتها و همراهي با ملتهاي مسلمان و مظلوم و مخالفت با زورگويان و ديكتاتورها همواره بخش مهمي از اهداف اوليه انقلاب اسلامي ايران بوده است. در اين بين، عدم انحراف انقلاب اسلامي ايران از اهداف و اصول خود بر عكس ديگر انقلابهاي جهان نيز به آن جلوه ويژه اي داده است.[28]

دو تجربه ارزشمند جمهوري اسلامي ايران در اين خصوص عبارت است از :

الف- شروع نهضت و پيروزي انقلاب اسلامي

ب- نظام سازي(تدوين اولين قانون اساسي مبتني بر شريعت اسلام و ايجاد ساختار و سازوكارهاي سياسي و اجرايي آن)

«ملت ايران اين تجربه بزرگ را امروز در مقابل ملتهاي ديگر قرار داده است. تجربه موفقيت ناشي از دو عامل بصيرت و صبر است. بصيرت يعني گم نكردن راه، اشتباه نكردن راه، دچار بيراهه و كجراهه نشدن، تاثير نپذيرفتن از وسوسه هاي خناسان و اشتباه نكردن كار و هدف، و صبر يعني ايستادگي. نسلها دست به دست به يكديگر تحويل ميدهند».[29] رهبر انقلاب ماموريت بزرگ فرهنگي بينالمللي نظام را

اينچنين ابلاغ ميكنند: «در اين اوضاع پيچيده و حساس، دستگاه سياست خارجي كشور در عرصه گسترده و مؤثر ديپلماسي جهاني، بايد حرف نوي جمهوري اسلامي را براي ملت‌ها و براي جهان تبيين كند».[30] دول غربي به دليل نگراني از خيزش مسلمانان و به خطر افتادن منافع نامشروعشان انواع اتهامات را به جمهوري اسلامي ايران نسبت ميدهند. لازم به ذكر است جمهوري اسلامي هيچگاه خواهان القاء مدل سياسي و حكومتي خود به اين كشورها نبوده است، اما اسلامي بودن اين انقلابها بر كسي پوشيده نيست، حركتهاي انقلابي در اين كشورها، توسط مردم مسلمان و با شعارهاي اسلامي همراه بوده است، پيروزيهاي بزرگ احزاب اسلامگرا در انتخابات اخير اين كشورها اين مدعا را ثابت ميكند. شعارها نيز نشان ميدهد مردم به دنبال مكاتب سوسياليستي و ليبراليستي و غيره نيستند، انقلابيون و رهبران آنها بارها و به انحاي مختلف در سخنان خود بر لزوم تحقق مردمسالاري اسلامي تاكيد كرده‌اند. همانگونه كه رهبر معظم انقلاب نيز فرموده اند: «حركت عظيم ملت‌ها، نشانه بيداري آنهاست و اين بيداري به استناد واقعيات گسترده و ترديدناپذير، صبغه اسلامي دارد البته اين بيداري اسلامي به معناي آن نيست كه همه آنها حكومت اسلامي مي خواهند و يا مدل حكومت اسلامي ايران را قبول دارند».[31] واقعيتي كه بارها از مسئولين عاليرتبه نظام شنيده شده اين است كه جمهوري اسلامي ايران قصد مصادره انقلابهاي عربي به نفع شيعيان را ندارد. «جمهوري اسلامي را متهم ميكنند كه اين حركات را به راه انداخته است، غلط است؛ اين يک تهمت بيجا و بيمورد است و احتياجي به اين كار نيست».[32] حمايت جمهوري اسلامي ايران از حزب ا لبنان به خاطر شيعه بودنشان نيست. ايران از حماس و جهاد اسلامي فلسطين هم كه دو جنبش اسلامي سنّي مذهب هستند حمايت ميكند زيرا اصل «اقامه عزت اسلامي» و «مبارزه با متجاوز» مطرح است. فرياد «ا اكبر» و «لا اله الا ا» كه امروزه از سوي انقلابيون مصري و يمني و بحريني شنيده مي شود مختص شيعيان نيست بلكه شعار جهان اسلام است. البته در اين خصوص بسيار بايد مراقب بود، طبق نظر مقام معظم رهبري: «در تضعيف الگو شدن ايران، دو عامل موثر است: يكي نقصها، كم‌كاريها، به سمت دنيا كشيده شدنها و بي‌سياستيهاي ما و يكي هم بزرگنمايي عيبهاي ما توسط دشمنان. اگر عامل اول يعني اشكالات خودمان را رفع كرديم، خداى متعال دومى يعني تبليغ دشمن را خنثى خواهد كرد. عامل ديگر، مربوط به دشمن است؛ كه اشكالات ما را صد برابر بزرگ ميكنند؛ عيبهائى هم كه نداريم، به ما نسبت ميدهند».[33] همچنين در جايي ديگر ميفرمايند: «ميگويند چرا ايران از مردم بحرين پشتيبانى ميكند، ما 32سال است كه از مردم فلسطين پشتيبانى ميكنيم؛مگر ملت فلسطين شيعه‌اند؟»[34]

در خصوص اعتراضات در سوريه بايد اذعان نمود كه تحولات در سوريه با قيام ملتهاي منطقه تفاوت ماهوي دارد و دست آمريكا و صهيونيسم در حوادث سوريه بر خلاف وجه ضد آمريكايي و ضد صهيونيستي ساير قيامها مشهود است. اگرچه ضروريست خواستههاي معترضين در سوريه شنيده شود و دولت سوريه به مطالبات آنها پاسخ درخوري بدهد اما معترضين بايد بسيار مراقب باشند زيرا دشمن مترصد بهرهبرداري از فضاي به‌وجود آمده است. آمريكا و اسرائيل درصددند ضربه سنگيني را كه از سقوط مبارک در مصر متحمل شده اند در سوريه جبران كنند. سه شاخص «مردمي بودن»، «ضد استعماري بودن» و «ديني بودن» جنبشهاي منطقه مبين اين نكته است كه اعتراضات مردمي در سوريه در قالب اين جنبش قرار نميگيرد.[35] رهبر انقلاب در بياناتشان جهت تبيين موضوع، يک شاخص كليدي معرفي ميكنند و ميفرمايند: «اگر در حركتي شعارها به

نفع آمریکا و صهیونیسم باشد، آن حرکت انحرافی است».[36]

در تحولات بحرین نیز شاهد نفاق آشکار غرب میباشیم. در کشورهايي مانند مصر، ليبي و تونس، غرب براي موج سواري و کنترل اوضاع، خود را همراه مردم و مخالف رژيمهاي حاکم(دوستان قديمي غرب) نشان داد. اين در حالي است که دولتها و رسانههاي غربي در بحرين ضمن سکوت و سانسور خبري سرکوب مردم مظلوم اين ديار توسط حکام وابسته و ظالم آن، با چراغ سبز به نيروهاي عربستان و امارات متحده عربي براي ورود به اين کشور در کشتار مردم دخيل بوده و از رژيم مستبد آل خليفه حمايت مي نمايند. اين سياست تبعيض آميز نشان آشکاري از ادعاي دروغين آمريکا و کشورهاي غربي در خصوص حمايت از ملتها و حقوق بشر است. چگونه نظامي که مجلس قانون گذاري ندارد، قانون اساسي مدون ندارد، زنان براي رانندگي، با حقارت و هزينه فراوان مواجه ميشوند و اساساً نام اين کشور به نام خاندان حاکم است، اختناق مذهبي و تضييع حقوق مسلمانان بيداد ميکند، زنان حق راي ندارند، شکاف طبقاتي گسترده در جامعه، عليرغم ثروت افسانهاي شاهزادگان وجود دارد در عين حال در برابر حرکتهاي بيداري اسلامي سياست مخالفت و سرکوب را دنبال ميکند و مورد حمايت و تشويق کشورهاي غربي که ادعاي حمايت از ملتها را دارند نيز قرار ميگيرد.؟ همه اين شواهد دال بر ادعاي کذب و رياکارانه قدرتهاي غربي است. اين سياست سرکوب را از جانب رژيم غاصب صهيونيستي عليه مردم مسلمان فلسطين و حمايت دول غربي به سرکردگي آمريکا، انگليس، فرانسه و آلمان نيز ميبينيم. دروغ بودن ادعاي حمايت از دمکراسي توسط اين کشورها زماني مشخص ميشود که پس از اولين انتخابات در فلسطين و پيروزي حماس در سال 2006 ميلادي شاهد کودتا و برخورد نظامي و تحريم توسط اسرائيل و حاميان رژيم اشغالگر عليه حماس در فلسطين هستيم. تجربه پيروزي انقلاب اسلامي در ايران نشان داده که در برابر بيداري اسلامي برخورد تند و خشن و به عبارت ديگر برخورد سرکوبگرانه راه به جايي نميبرد زيرا سرکوب کردن ميتواند پيروزي يک جنبش را به تاخير بياندازد اما هيچگاه نميتواند آن را از بين ببرد.[37]

موج اعتراضات در اروپا و امريکا- الگوگيري از انقلابيون مسلمان

بيداري اسلامي مسلمانان مقيم اروپا و آمريکا طي سالهاي اخير موجب نگراني دولتمردان غربي شده است. افزايش جمعيت مسلمانان مقيم اين کشورها و تمايل آنها(خصوصاً جوانان) به حفظ هويت و اعتقادات شان که منجر به عدم تاثيرپذيري و اختلاط آنها با فرهنگ و سبک زندگي غربي شده است به دغدغه اول رهبران غرب تبديل شده و البته فشارهاي غرب عليه اقليتهاي مسلمان نيز بيشتر شده است. کاريکاتورهاي توهينآميز عليه رسول مکرم اسلام(ص)، ممنوعيت حجاب در برخي کشورها و به شهادت رساندن خانم مروه شربيني(شهيده حجاب) و همينطور تداوم حمايتها از رژيم صهيونيستي و تضييع حقوق ملت فلسطين، بارها موجب خشم و عکسالعمل مسلمانان مقيم اروپا و غرب شده است. دولتمردان غربي از الگوگيري شهروندان خود در نحوه اعتراضات و استفاده از شيوهها و نمادهاي انقلابيون مسلمان خاورميانه هراسان هستند.

پيشبيني مقام معظم رهبري در اين خصوص كه در فاصله كوتاهي به حقيقت پيوست موجب شگفتي و تعجب تحليلگران جهان شد به گونهاي كه اعتراضات گسترده مردم در شهرهاي اروپا و امريكا موجب وحشت دولتمردان گرديد و البته برخورد خشونتبار آنها با معترضين را در پي داشت. رهبر انقلاب فرموده بودند: «مبارزه با ظلم، بي عدالتي و تبعيض چون مبتني بر فطرت انساني است. لذا اين جنبش تا قلب اروپا و آمريكا هم ميرود؛ اساس مشكل دنیای اسلام، آمريكا است كه امروز به شدت ضعيف شده است»[38]

جوانان و بيداري اسلامي

نكته مهم و درخور توجه جنبش بيداري اسلامي در كشورهاي منطقه اين است كه اقشار مختلف مردم و همينطور نخبگان در آن مشاركت فعال داشتهاند اما جوانان خصوصاً زنان نقش پررنگتري نسبت به سايرين دارند. آقاي ابراهيم جعفري- نخست وزير سابق عراق- در اين خصوص ميگويد: «زنان و جوانان پرچمدار اصلاح در كشورهاي عربي هستند و لازم است در كليه هماندیشیها و گفتگوهاي فراگير در خصوص مسائل مربوط به جنبش نيز مشاركت فعال داشته باشند»، وي همچنين نسبت به تلاشها براي ايجاد فتنه قومي و مذهبي در كشورهاي منطقه هشدار داده و با تاكيد بر ممنوعيت اقدامات خشونتبار تصريح ميكند: «شوراي مركزي مجمع جهاني بيداري اسلامي بر مسالمتآميز بودن انقلابهاي منطقه و استفاده از سلاح كلام و قلم تأكيد دارد».[39] رهبر معظم انقلاب نيز خطاب به جوانان ميفرمايند: «شما جوانهای عزيز الگوی جوانهای دنيا شديد؛ جوان تعيين كننده است، تحولآفرين است، موتور پيشرفت است».[40] در تحولات منتهي به پيروزي انقلاب اسلامي در ايران همانگونه كه جوانان مومن و انقلابي ايران تحت هدايت حضرت امام خمينی(ره) نقش كليدي را ايفاء كردند؛ اكنون نيز بار اصلي مسئوليت انقلابهاي منطقه و مبارزه عليه استبداد و تسلط بيگانگان بر عهده جوانان منطقه است و اهداف كوتاه مدت و بلند مدت اين جنبش تنها با حضور فعال و موثر قشر جوان، البته با هدايت علماء دين و روشنفران اين جوامع محقق خواهد شد.

اهداف مطلوب جنبش در كوتاهمدت: در حالت مطلوب بايد سقوط نظامهاي حاكم و سپس «واژه سازي»، «نهاد سازي» و «نظام سازي» باشد.[41]

هدف مطلوب جنبش در بلندمدت: اين جنبش ميبايست تحقق وحدت، عزّت و اقتدار امت اسلام و حركت به سمت تاسيس «تمدن نوين اسلامي» را پيگيري نمايد. پايههاي اين تمدن اسلامي نوين هم عبارتند از: دين اسلام، عقلانيت، علم و اخلاق.[42]

راهبردهاي پيشنهادي كوتاه مدت

با توجه به مجموعه نقاط قوت و ضعف جنبش و همينطور فرصتها و تهديدات آن ميتوان راهبردهاي ذيل را پيشنهاد نمود:

- لزوم ارتباطگيري، حرف زدن و روحيهدادن و روحيه گرفتن مسلمانان با يكديگر[43]

- تعامل فكري و همكاري با برادران اخواني منطقه

- بهرهگيري از امكانات ادبي، هنري، رسانه اي مسلمين با كمك فناوريهاي ارتباطي مدرن

- افشاي دروغها و سياستهاي دوگانه دول غربي

- رايزنيهاي سياسي و ديپلماتيک با كشورهايي همچون عراق، تركيه، قطر، عمان و الجزاير

- استفاده از پتانسيل مجامع بينالمللي، منطقهاي و سازمانهاي حقوق همچنين فعال سازي سازمان كنفرانس اسلامي

- ديپلماسي پارلماني فعال از طريق اتحاديه مجالس كشورهاي اسلامي

- تقويت پيوندها با علماء و بزرگان فكري و مذهبي كشورهاي اسلامي

- تشويق مشاركت حداكثري در انتخابات پس از سقوط نظامهاي ديكتاتوري

- ادامه مقاومت و تلاش براي آزادي فلسطين و پيگيري تحقق شعار «همه فلسطين براي همه فلسطينيان»

- برنامهريزي و نظامسازي خصوصاً مردمسالاري اسلامي

- مقابله موثر با توطئه غرب در ترويج اسلام ستيزي، شيعه ستيزي و ايران هراسي[44]

- افشاي سياستهاي دوگانه رسانههاي غربي در خصوص تحولات منطقه و جهان

- لزوم شكلگيري پارلمانهاي مردمي و مشاركت همه اقشار در رايگيري

- ضرورت تغيير در مناسبات اجتماعي و ايفاي نقش مردم در فرايندهاي تصميمگيري

- برقراري حاكميت قانون، پارلمان منتخب، جامع مدني مقتدر، پايان تبعيض عليه گروههاي مسلمان

- تاسيس سازمان مستقل حقوق بشر از سوي كشورهاي اسلامي

- ضرورت تحول ساختاري در شوراي همكاري خليج فارس كه هماكنون به عنوان باشگاه رژيمهاي پادشاهي و همكاري با يكديگر براي مقابله با اراده ملتهاي عضو عمل ميكند.

- افشاي ماهيت پليد و ضد اسلامي رژيم سعودي و ارتباط دوستانه آن با دشمنان جهان اسلام

- حمايت از اسلامگرايان ميانهرو براي كنار زدن اسلامگرايان افراطي

- لزوم توجه به نقش افكار عمومي به خصوص دنياي غرب و تاثير گذاري بر آن

- استفاده از قابليتهاي سايبري و فضاي مجازي

- لزوم راه اندازي رسانههاي جديد و مستقل در هر يک از كشورهاي اسلامي

- لزوم ايجاد شبكههاي مجازي و حقيقي ميان نخبگان و تودههاي كشورهاي اسلامي

- شناخت ماهيت قيامها در هر كشور و برنامهريزي براي هر كشور بر اساس اقتضائات آن

- افشاي سكوت جامعه جهاني در برابر نقض حقوق انساني(به عنوان نمونه در بحرين)

- لزوم تحليل منسجم اوضاع، تعامل، همافزايي و هماهنگي در عملكردها و تصميمسازيها

-- تشديد فشارهاي حقوقي و رواني بر حكومتهايي كه در مقابل اراده ملتها ايستادگي مي كنند.

- اعمال «سياست استمرار سوال» به منظور تحريک افکار عمومي جهان عليه سياستهاي سرکوبگرانه دولتهاي غربي در قبال امت اسلامي

- سفر ديپلماتها به اروپا براي تقويت نگاه حقوق بشري اروپا به موضوع بحرين و يمن

- جريان سازي رسانهاي قوي عليه سکوت غرب و اقدامات سرکوبگرانه آل سعود

راهبردهاي پيشنهادي بلندمدت

- تبيين، ترويج و تعميق مباني و معارف اسلام ناب

- بازتعريف رويکرد جهاني شدن با توجه به مفهوم انتظار

- گفتمان سازي فرهنگي در سطح جهان مبتني بر اسلام ناب

- معرفي آرمانها و گفتمان انقلاب اسلامي و شخصيت و انديشههاي امام خميني(ره) و مقام معظم رهبري

- معرفي پيامها، دستاوردها و الگوهاي موفق جمهوري اسلامي ايران در سطح جهان

-- بهرهگيري متوازن و موثر از ظرفيتهاي تبليغي- ديني، رسانه اي، محيط مجازي، علمي آموزشي و هنري و سازمانهاي مردم نهاد

- معرفي و اشاعه ارزشها، آثار و دستاوردهاي فرهنگ و تمدن اسلامي- ايراني

- گسترش اخوت و وحدت اسلامي و تقريب مذاهب اسلامي

- گسترش خودباوري و بيداري اسلامي و ساماندهي جبهه متحد امت اسلام در مقابل استکبار

- تاکيد بر وحدت حول آموزههاي اسلام و قرآن به جاي وحدت در قالب قبيله و عشيره

- ريشهيابي و تلاش براي از بين بردن افراطگري مذهبي، تعصب، انحصارگرايي و تکفير

- تقويت روحية انقلابي در استفاده از ظرفيتهاي مناسكي همچون حج و نماز جماعت

- تقويت و ترويج انديشه اسلام سياسي جهانشمول

رهبر معظم انقلاب با تشريح دشمنيهاي استكبار جهاني عليه ملتهاي منطقه ميفرمايند: «ميخواهند ملتهای این منطقه، از لحاظ فرهنگی، مقلد محض اروپاییها باشند؛ از لحاظ نظامی، ذلیل و آسیب‌پذیر و ضعیف باشند؛ از لحاظ اخلاقی، فاسد باشند، دچار انحطاطهای گوناگون اخلاقی باشند؛ از لحاظ مذهبی هم کاملاً سطحی و قانع به مذهب فردی و احیاناً مذهب تشریفاتی باشند. در تحلیلهای جهانی سعی میکنند عامل اصلی این قیامها نديده گرفته شود. اشاره میکنند به مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی-که البته مؤثر است- اما عامل اصلی این حرکت عظیم مردم، احساس تحقیری است که در مردم از وضعیت سران خود به وجود آمد.[45] ضمناً میفرمایند: «دسائس و دخالتهای استکبار موجب شده ملتهای مسلمان با یکدیگر دست برادری ندهند و یکدیگر را درک نکنند»[46]

بايدها و نبايدها

- بيداري و هشياري و غافل نشدن از واقعيات قضاياي اخير[47]

- اتحاد و يكپارچگي، به مثابه سلاح مهم ملتها در مواجهه با ابرقدرتها و حكام مزدور

- پرهيز شديد از سست شدن عزم راسخ و متوقف نكردن اين حركت مبارك[48]

- لزوم شكلگيري افق مفهومي مشترک بين نخبگان جهان اسلام در خصوص بيداري اسلامي

- ممنوعيت اقدامات خشونتبار و تروريستي

- پرهيز از ايجاد بوروكراسي سازماني و مصلحتگرايي تشكيلاتي در جنبش و دولتهاي بر آمده از آن

- پرهيز از نااميدي و سستي و كاهلي«لاتهنوا في ابتغاء القوم ان تكونوا تألمون فانهم يألمون كما تألمون و ترجون من ا ما لايرجون» (سورة نساء، آيه 104)

- هوشياري در برابر حيله مستكبران بينالمللي و قدرتهايي كه از اين قيامها لطمه ديدهاند.[49]

- سرگرم نشدن به دستاوردهاي اين مقطع[50]

- ضرورت توجه به شعارها و مطالبات مردم (مصر، بحرين، يمن و ...)

- لزوم مراقبت جوانان، روشنفكران و عالمان ديني براي ممانعت از ترس و طمع و غفلت انقلابيون[51]

- لزوم توجه به جوانان، به جوانان اعتماد كنيد و اعتماد به نفس بدهيد.[52]

- بايد علماي دين و الازهر شريف نقش خود را كاملاً برجسته كنند، مردم توقع دارند.[53]

- حساس بودن به حوادث اخير و تحليل درست موضوع از سوي اساتيد دانشگاهها.[54]

- عدم خود محوري و لزوم ارتباط با ديگران

- پرهيز از بروز اختلاف و به جان هم افتادن انقلابيون و رخنه در پشت جبهه.[55]

- مرعوب شدن از هيمنه ظاهري مستكبران.[56]

- عدم احساس تمام شدن كار با سقوط حاكم وابسته، فاسد و ديكتاتور.[57]

- پرهيز از اختلافات مذهبي، قومي، نژادي و قبيله اي

- پرهيز از پذيرش الگوهاي لائيک، ليبرال، مليگرا و ماركسيستي در مرحله نظام سازي

- دوري از تحجر، قشريگري و تعصبات جاهلانه و افراطي

- بازخواني دائمي اصول انقلاب و تطبيق آنها با محكمات اسلام و حفظ آنها از انحراف.[58]

- مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن.[59]

- همفكري و همگرايي ميان گروههاي مختلف سياسي- مذهبي معارض

- توجه به شرايط، اقتضائات و تجربيات سياسي گروهها و احزاب اسلامي پيروز انتخابات

- كمک به فرايند دولتسازي توسط جريانهاي اسلامي از جمله اخوان المسلمين مصر به عنوان الگويي در برابر مدل وهابيگري عربستان

- لزوم پرهيز از اقدامات نسنجيده و زمينهساز مداخله نظامي بيگانگان

- لزوم افشاي تصوير مجازي كه غرب براي هر يک از اين كشورها ساخته است و لزوم تبيين تصوير حقيقي هر كشور(مقابله با تصوير سازي مجازي)

- توجه به دغدغههاي رفاهي و اجتماعي مردم

- تاكيد بر اشتراكات ديني و اسلامي و پرهيز از طرح موضوعات و مباحث اختلافزا

- توجه به ظرفيتهاي غيردولتي و مردمي براي تعامل با ملل مسلمان منطقه

- واكنش علماء و مراجع جهان اسلام به نقض گسترده حقوق بشر در بحرين

- لزوم معرفي پيام انقلاب اسلامي و موفقيتهاي 32 ساله نظام

- ارسال پيام متين و منطقي انقلاب و نظام جمهوري اسلامي ايران به ملتها و دولتهاي منطقه از سوي مسئولان كشور.[60]

جمعبندي

از لوازم اصلي موفقيت در مسير نيل به اهداف جنبش بيداري اسلامي همانا تبيين صحيح و واقعبينانه وضعيت موجود است. تحليل نادرست از فرصت ها و تهديدها از يكسو و ضعف و قوتهاي مرتبط با جنبش بيداري اسلامي ميتواند به تضعيف و در نهايت فراموشي اهداف اصلي جنبش بينجامد. بررسيها نشان ميدهد

اكنون نقاط تمركز اصلي دشمن بر كشورهاي خاصي همچون مصر، سوريه و بحرين قرار دارد، مصر زمان ديكتاتوري مبارک، ستون سياست خاورميانهاي آمريكا در منطقه بود و تاثيرگذاري اين كشور بر جوامع عرب منطقه بسيار زياد است. البته در اين شرايط نبايد موضوع فلسطين به فراموشي سپرده شود و رهايي ملت مظلوم فلسطين از ستمهاي 63 ساله صهيونيستها و حاميانشان همچنان بايد در اولويت اول جهان اسلام باشد و در ترسيم اهداف و برنامههاي جنبش بيداري اسلامي مورد توجه اساسي قرار گيرد. خطر اصلي در مورد جنبش عظيم بيداري اسلامي را كه در كلام رهبر معظم انقلاب نيز بدان اشاره شده است ميتوان در اين دو عنوان اصلي خلاصه نمود: «فرصت طلبي» و «شبيه سازي». فرصت طلبي عبارت است از وارد شدن نظام سلطه به قصد فريب انقلابيون و راضي نمودن مردم به همان دستاوردهاي جزيي و ابتدايي اوليه. منظور از شبيه سازي توطئه و دخالت در امور داخلي كشورهاي مستقل جبهه مقاومت براي ايجاد ناآرامي و براندازي است. اين اقدام در خصوص ايران و سوريه مصداق دارد. در اين خصوص ضرورت همفكري و وحدت نظر نخبگان فكري جوامع اسلامي دو چندان ميشود. بايد برنامهريزي مشخص در ابعاد كوتاه مدت، ميان مدت و بلند مدت براي هر كشور، مبتني بر شرايط خاص آن كشور صورت پذيرد. تاسيس يک مجمع دائمي تحت عنوان «مجمع جهاني بيداري اسلامي» كه دبيرخانه آن در تهران مستقر شده است از اقدامات ضروري و بجاي جمهوري اسلامي بود و هدفاش اين است كه از اين طريق بتوان با همفكري و تضارب آراء بين نخبگان فكري و انديشمندان كشورهاي اسلامي به تقويت و استحكام اين جنبش براي نيل به اهداف عاليه اش مساعدت نمايد. همچنين در مصوبه پاياني اجلاس دو روزه بيداري اسلامي در تهران، بر شكلدهي سريع ساختار و تشكيلات مجمع جهاني بيداري اسلامي و بر ضرورت سازماندهي گروه‌هاي تماس براي رايزني و ارتباط با فعالان و نهادهاي مردمي تاكيد شده است. برپايي دورهاي اجلاسيههاي مزبور در كنار فعالسازي كميسيونها و كارگروههاي مختلف آن به خواست پروردگار، ملتهاي مسلمان را قادر خواهد ساخت جنبش حاضر را با قدرت و صلابت به پيش برده و از تضعيف و انحراف آن ممانعت كند. با شكست قطعي طرح آمريكايي «خاورميانه بزرگ» و فراهم شدن بسترهاي شگلگيري خاورميانهاي جديد بر پايه اسلام، عصر تازهاي در تاريخ اسلام آغاز شده است. بدون شک نظامهاي آينده كشورهاي منطقه بر بسترهاي فرهنگ اسلامي بنا خواهد شد البته ما نبايد الزاماً برپايي مدل حكومتي ج.ا.ا را در اين كشورها انتظار داشته باشيم. يقيناً در نظامهاي تازه تاسيس، شريعت اسلام، از منابع اصلي تدوين قانون اساسي آنها خواهد بود. به علاوه سرمايه اجتماعي موجود در اين جنبشها و اعتماد موجود در بين مجموعه گروه و فعالين اين حركتها به مثابه پتانسيل عظيمي- در صورت مديريت هوشمندانه- ميتواند آينده درخشاني را براي اين جوامع ترسيم نمايد. در ايران نقش پررنگ علماي شيعه در طول مبارزه با نظام ستمشاهي يكي از مولفههاي اساسي پيروزي آن بود، امروزه پيشگامي علماي شيعه را در بحرين نيز شاهد هستيم. لذا ضروريست رهبران ديني و روشنفكران كشورهاي اسلامي و نقش مردمي آنها در تحولات منطقه تقويت شده تا به عنوان گروه مرجع، نقش هدايتگري، كادرسازي و نظامسازي براي آينده انقلابها داشته باشند.

[1]- ميسون، تيري، گفتگو با متفكر فرانسوي، نشريه اسلام تايمز، 27 شهريور1390:

(http://www.islamtimes.org/vdcb9sb9.rhb9gpiuur.html)

[2]- نجفي، موسي، گفتگو پيرامون نظريه بيداري اسلامي در انديشه رهبر انقلاب، 20دي1390، ص1 :

(farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=18500)

[3]- همان، ص 2

[4]- همان، ص 3

[5]- همان، ص4

[6]- صحيفه حضرت امام خميني(ره)، جلد 13، ص89

[7]- بيانات رهبر انقلاب در ديدار قاريان و حافظان قرآن با معظمله، 11/05/90

[8] - بيانات معظمله در ديدار سفرا و رؤساي نمايندگي‌هاي ايران در خارج كشور 07/10/90 ،

[9]- بيانات معظمله در كنفرانس وحدت اسلامي، تهران 01/12/89

[10]- بيانات رهبر انقلاب در ديدار نمايندگان مجلس شوراي اسلامي با معظمله، 08/03/90

[11]- بيانات معظمله در نخستين اجلاس بيداري اسلامي ، 26/06/90

[12]- همان

[13]- بيانات معظمله در حرم مطهر امام خميني(ره)، 14/03/90

[14]- بيانات معظمله در نخستين اجلاس بيداري اسلامي ، 26/06/90

[15]- بيانات معظمله در ديدار مسئولان نظام، ميلاد پيامبر(ص) 02/12/89 و ديدار با مردم استان فارس 03/02/90

[16]- بيانات معظمله در كنفرانس وحدت اسلامي، 01/12/89

[17]- بيانات معظمله در نخستين اجلاس بيداري اسلامي ، 26/06/90

[18]- بيانات معظمله در خطبههاي نماز جمعه، 15/11/89

[19]- بيانات معظمله در سفر به آذربايجان شرقي، 27/11/89

[20]- بيانات معظمله در حرم مطهر امام خمينى(ره)، 14/03/90 و مبعث رسول اكرم 09/04/90

[21]- بيانات معظمله در حرم مطهر امام خمينى(ره)، 14/03/90

[22]- بيانات معظمله در حرم رضوي، 01/01/90

[23]- بيانات معظمله در ديدار با خبرگان، 17/06/90

[24]- بيانات معظمله در ديدار با خبرگان ، 19/12/89

[25]- بيانات معظمله در حرم مطهر امام خمينى(ره)، 14/03/90

[26]- بيانات معظمله در كنفرانس وحدت اسلامي، 01/12/89

[27]- ستوده، محمد، مجله علوم سياسي، شماره 16، زمستان 1380، ص164

[28]- بيانات رهبر انقلاب در ديدار دانشجويان نمونه با معظمله ، 19/05/90

[29]- بيانات معظمله در سفر به شهر مقدس قم، 19/10/90

[30] - بيانات معظمله در ديدار سفرا و رؤساي نمايندگي‌هاي ايران در خارج كشور 07/10/90 ،

[31]- همان

[32]- بيانات معظم له در ديدار بسيجيان نمونه كشور، 06/09/90

[33]- همان

[34]- بيانات معظمله در حرم رضوي، 01/01/90

[35]- بيانات معظمله در حرم مطهر امام خميني(ره)، 14/03/90

[36]- بيانات معظمله در روز مبعث پيامبر(ص)، 09/04/90

[37]- صدرا، عليرضا، جوادي ارجمند، محمدجعفر، پيرامون تحولات منطقه، گفتگو از معصومه ستوده، خبر آنلاين، 18/08/90 :

(http://www.khabaronline .ir/print/183931/politics/diplomacy)

[38]- بيانات معظمله در كنفرانس وحدت اسلامي، 01/12/89

[39]- بيانات معظمله در اجلاس بيداري اسلامي، تهران 26/06/90

[40]- بيانات معظمله در سفر به آذربايجان شرقي، 27/11/89

[41]- بيانات معظم له در سفر به كرمانشاه، 24/07/90

[42]- بيانات معظمله در نخستين اجلاس بيداري اسلامي ، 26/06/90

[43]- بيانات معظمله در ديدار كارگزاران حج، 11/07/90

[44]- بيانات معظمله در سفر به قم، 19/10/89

[45]- بيانات معظمله در خطبههاي نماز جمعه تهران، 15/11/89

[46]- بيانات معظمله در روز ميلاد پيامبر(ص)، 02/12/89

[47]- بيانات معظم له در سفر به قم، 19/10/89

[48]- پيام معظمله به كنگره عظيم حج، 14/08/90

[49]- همان

[50]- همان

[51]- همان

[52]- بيانات معظمله در همايش انتفاضه فلسطين ، 09/07/90

[53]- بيانات معظمله در خطبههاي نماز جمعه تهران، 15/11/89

[54]- بيانات معظم له در ديدار اساتيد دانشگاه، 02/06/90

[55]- بيانات معظمله در ديدار مسئولان نظام در روز عيد مبعث رسول(ص)، 09/04/90

[56]- بيانات معظمله در نخستين اجلاس بيداري اسلامي ، 26/06/90

[57]- همان

[58]- همان

[59]- همان

[60]- بيانات معظمله در ديدار نمايندگان مجلس شوراي اسلامي، 08/03/90